

متن پرسش

با سلام و احترام دختری.....ساله دانشجوی سال.....روانشناسی هستم با دغدغه های بسیار در زمینه غربی بودن این رشته!مدتهاست که در تعارضی سرگردانم.خیلی این در و آن در زده ام...بسیار فکر کرده ام... با دیگران صحبت کرده ام ...ولی به نتیجه ای نرسیده ام.راستش به رشته ام علاقه مندم وخیلی دوست دارم در راستای صحبت های آقا در زمینه بومی سازی علوم انسانی با کمک خدا قدمی هرچند کوچک بردارم و ادای تکلیف کنم...از طرفی این مسئله نیز رهايم نمی کند که برای ادامه تحصیل وانجام کارعلمی -پژوهشی مجبورم با نامحرم درارتباط باشم. واین باور قلبی رهام دارم که ارتباط با نامحرم هرچقدرهم که حدود را رعایت کنم واز لحاظ شرع پسندیده عمل کنم اثراش را خواهد گذاشت مسیر سلوک و قرب را برایم سخت تر ودورتر خواهد کرد...حجاب های جانم رابیشتر خواهد کرد...توفیقات را سلب خواهد کرد و... نزدیک ۲سال است که دراین تعارض اسیرم.نمی خواهم بیشتر ازاین جونی ام وفرصتهای ناب را در این بلاتکلیفی از دست بدهم. البته هدف اصلی واساسی ام برایم مشخص است: خشنودی خدا و آقا امام زمان(روحی له الفداء).ولی تکلیفم را نمی توانم تشخیص دهم؟! خواهش میکنم لطف کنید مرا راهنمایی بفرمایید.متشکرم

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: مقام معظم رهبری«حفظه الله» می فرمایند: «آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی بخشید؛ ... و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ کس درک نمی کرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همین مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره میکنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانائی های آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی بیرون می آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه ی قشرها آمدند توی

کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشائی‌ها تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست میشود. امام در زمینه‌ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ ولاً بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطرجمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالآبدین بر این مرد بزرگ باد. به هر حال نقش زنان، یک نقش بی‌بدیلی است. پس خود این نقش، اقتضاء میکند؛ چون آینده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی باید صدها سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی‌اش هستیم. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه در مجموعه‌ی حضور ملی. پس بایستی ما راجع به مسئله‌ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه‌ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. «۱۴/۱۰/۹۰). با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب باید در عین حضور در مجامع علمی رعایت دستورات الهی را بکنید. إن شاء الله با نظر به هدف مقدسی که دارید حجاب‌ها زودگذر خواهند بود.

موفق باشید